

بسم الله الرحمن الرحيم

بایسته‌های؛

تفسیر قوانین و قراردادها

«مداولتی» اصول و مبنای تدوین، تصویب و تفسیر

دکتر بهرام بهرامی

قاضی دیوان عالی کشور و عضو هیأت علمی دانشگاه

سرشناسه	: بهرامی، بهرام، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: بایسته های : تفسیر قوانین و قراردادها: متدولوژی، اصول و مبانی تدوین، تصویب و تفسیر / بهرام بهرامی.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه بینه، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.
شابک	: ۵۲۰۰۰ ریال: 978-964-8874-59-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص: [۲۵] - ۲۵۶.
موضوع	: حقوق-- ایران-- تفسیر و استنباط
موضوع	: قراردادها-- ایران-- تفسیر و استنباط
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ب ۲ ب ۹ / KMH۲۲۲۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۲/۵۵۰۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۰۳۷۱



موسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه

خیابان انقلاب-خیابان ۱۲ فروردین - نیش خیابان واحد نظری
پلاک ۲۵۵-طبقه دوم- واحد ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۲۵۵-۶۶۴۱۲۹۳۲

بایسته های : تفسیر قوانین و قراردادها

(۱) متدولوژی، اول و مبانی تدوین، تصویب و تفسیر

مولف: دکتر بهرام بهرامی

ناشر: موسسه فرهنگی نگاه بینه

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرانقش

چاپ و صحافی: رنگ پنجم

شابک : ۸-۰۰-۶۲۲۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۵۲۰۰ تومان

فهرست

۵		دیاچه اول
۹		دیاچه دوم
۱۳		پیشگفتار
۱۷		فصل اول- شناخت قانون و قانونگذاری
۱۷		۱. مفهوم قانون:
۱۸		۲. خصوصیات قانون:
۲۲		۳. انواع قانون:
۲۳		۴. ساختارشناسی قانون:
۳۱		۵. قلمرو قانون (در زمان و مکان):
۳۶		۶. مراحل و کیفیت قانونگذاری:
۵۳		۷- نسخ قانون:
۶۱		فصل دوم- شناخت تفسیر و جایگاه آن
۶۱		۱. مفهوم تفسیر:
۶۲		۲. موضوع تفسیر:
۶۳		۳. مکاتب تفسیری:
۶۹		۴. انواع تفسیر:
۸۱		۵. مبانی تفسیر:
۸۵		۶. شرایط تفسیر:
۸۸		۷. جایگاه قلمرو تفسیر:
۹۱		فصل سوم- متدولوژی تفسیر قوانین و قراردادها
۹۱		۱. اطلاق شناسی:
۹۵		۲. سکوت شناسی:
۱۰۰		۳. حروف شناسی:
۱۲۳		۴. واژه شناسی:
۱۳۰		۵. اصل شناسی:

۱۳۲	۶. اماره شناسی:
۱۴۵	۷. منشاء، ماهیت و ظرف شناسی:
۱۴۷	۸. عموم و خصوص شناسی:
۱۶۰	۹. مصلحت شناسی و مصلحت سنجی:
۱۶۳	۱۰. حصر و تمثیل شناسی:
۱۶۶	۱۱. نشانه شناسی:
۱۷۱	۱۲. قیاسی شناسی:
۱۷۷	۱۳. مصداق، تطبیق و دلالت شناسی:
۱۸۷	۱۴. تعادل و تراجم شناسی:
۱۹۳	۱۵. مفهوم شناسی:
۲۰۱	۱۶. عطف به ماسبق شناسی:
۲۰۰	۱۷. عرف شناسی:
۲۰۶	۱۸. زمان و مکان شناسی یا قلمرو اجرای قانون در زمان و مکان:
۲۱۲	۱۹. رویه شناسی:
۲۱۸	۲۰. تعارض شناسی:
۲۳۷	فصل چهارم - تفسیر قراردادها
۲۳۷	۱. مفهوم تفسیر قراردادها:
۲۳۸	۲. نقش و مدار تفسیر قرارداد:
۲۳۹	۳. موضوع تفسیر قرارداد:
۲۴۰	۴. وسیله تفسیر قرارداد:
۲۴۷	۵. تفسیر تحلیلی مبانی فسخ قرارداد:
۲۴۸	۶. تفسیر تحلیلی مبانی انحلال قرارداد:
۲۵۱	منابع:

دیساحہ اول

روزگاری است،

که با ریگ روان همسفرم،

می‌روم راه و زمزلگه خود بی‌خبرم؛

گرچه چون پرو تماشاگه اهل نظرم

از جهان جز دل امید نباشد ز برم

سپاس و ستایش خدای را که سخنوران از مدح و ثنائیش، حسابگران از شمارش نعمت‌هایش عارفان از بیان معرفتش و بندگان از عهده ادای حقش ناتوانند.

اوست که تنها همت‌های بلند و پاک به درگاه ادراکش و اندیشه‌های صاف و زرفنگر به گوهر ذاتش راه دارد. در دریای پرتلاطم و موج، هم اوست که قوه فرفان برای شناخت راه از چاه و کشتی نجات برای رهروی به سلامت به ودیعت نهاده است.^۱

نوع نگاه ما به مسائل، افراد و جوامع نقش بسزایی در مسئولیت، رسالت، رفتار، کردار ما دارد؛ نوع نگاه است که اندیشه و نگرش ما را عمق می‌بخشد و در دوست‌یابی یا دشمن‌تراشی، آداب‌شناسی، آفات‌یابی و اخلاق فردی و جمعی، جنگ و صلح و قضاوت‌های ما ایفای نقش می‌کند. چندی است که نگاه دانش‌آموختگان علوم انسانی به‌طور کلی و دانش‌آموختگان فقه و حقوق، اقتصاد و سیاست و مدیریت به‌طور خاص به خود و همچنین نگاه جامعه به آنها از سالیان گذشته نگاهی مقدس و پاک نبوده است. به همین جهت رسالت واقعی خود را از یاد برده‌ایم و همین باور را پرورش و آموزش می‌دهیم. رسالت سنگین ایده‌پردازی، تولید علم و ساخت پایه‌های

۱- قال رسول الله (ص) انی تارکم فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی من تمسک بهما نجی و من یفترقا غرق

نظام حقوقی و قضایی، امنیتی، انتظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به بوتۀ فراموشی و به پویه تاریخ سپرده‌ایم. نظام حقوقی که یک‌صدسال پیش به همت مجاهدان و بزرگان و اندیشمندان مشروعه و مشروطه‌خواه با شعار عدالت خواهی آغاز و تاکنون فراز و نشیب‌های فراوانی به خود دیده است با پیروزی انقلاب اسلامی گمان می‌رفت، از انحراف و خمودی و سکون بر در آید و جان تازه بگیرد و بر طریق صلاح و سلام و صراط مستقیم ایستد. منتهی، تلفیق و ترکیب ناصواب و اقتباس و ترجمه ناقص از متون پیشینیان فرود دیگری بر نظام حقوقی مستولی نمود. نظام حقوقی نو پا که تشنه باورهای دینی عمیق و اجتهاد و سعی بلیغ بود با تمسک به فروغ و وفاداری غیرعالمانه به رفتار و گفتار غیرعلمی دیدگان را از بسیاری از واقعیت‌ها پوشانیده است. غافل از اینکه با گرتۀ برداری غیرعلمی و غیراجتهادی و با نگاه جزیی و خُرد به مسائل، نمی‌توان به نظام حقوقی باورساخت‌های مستحکم و قابل عرضه و قبول رسید. نظریه‌پردازی و نظام‌سازی متلازم شناخت مبانی و اصول و شرایط و اجتهاد است.^۱

در مقوله استنباط نیز کمترین مبادرت به قاعده‌سازی و تبیین مبانی و اصول و معیارهایی و ضوابط شده است شکل و سیاق قانونگذاری و گونه‌گونی و تشتت در فهم و استنباط از قوانین و صدور آراء، نقص دیگر این میدان است.

در مبانی و شاخص‌های اولیه و پایه‌های اساسی نظام حقوقی هنوز به اجماع و اتفاق مستحکمی دست نیافته‌ایم. لیکن در فروغ و نقش و نگار ایوان سینه‌ها چاک و دیده‌ها تر و منصورها و محمودها بردار و بر سر کرده‌ایم. نظام حقوقی ما نیازمند تغییر در نوع نگاه و رفتار و باور دانش آموختگان علوم انسانی و صاحب‌نظران و اندیشمندان فقه و حقوق، اقتصاد و سیاست و مدیریت است.

تا این باور و پذیرش مسئولیت، و احساس وجود در ما حاصل نگردد، حصول نظام حقوقی سالم، پویا و قابل قبول به نحوی که به‌طور روان و بی‌دغدغه عهده‌دار تست سلامت و سعادت جامعه باشد، آرزویی بیش نخواهد بود و غفلت از آن نیز انتظار وضع اندر موضع را بعید می‌گرداند. بهایی که جامعه برای استقرار اصول و تقدیم فرهیختگان و اندیشمندان و عالمان و قراردادن اشخاص بر جایگاه واقعی خود، در همه زمینه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی و ... می‌پردازد بی‌تردید

۱- ر. ک آیت‌الله هاشمی شاهرودی. سید محمود، حوزه علمیه و روحانیت ص ۱۴۱ در فقه به مسائل عملی مورد

ابتلاء به عنوان یک فتوا و حکم خُرد پرداخته شده و نظریه‌پردازی و نظام‌سازی نشده است.

استواری و بقاء نظام حقوقی مبتنی بر عدالت و سعادت و سلامت را بدنبال خواهد داشت. و عدم اهتمام به آن بی‌شک جز ادبار نیست.^۱

ویلیام جمبلیس مدعی است که دو نوع قانون وجود دارد یکی قانون کتابی که ایده‌آل و دیگر قانون عملی که رأل است. قانون در کتاب همه را حتی مسئولان را به رعایت عدل و انصاف و مساوات و یکسانی با همه شهروندان می‌داند. و دیگر قانون در عمل چهره‌ای دگرگونه ترسیم می‌کند.

عدالت و آزادی نیز به فراخور مشرب‌ها و مکتب‌های فکری، فلسفی، دینی و غیردینی صور گوناگون داشته و به تناسب زمان و مکان و شرایط، تعریف خاصی به خود گرفته است و دستخوش مصادره به مطلوب واقع گردیده است. ارسطو عدل را به هشت نوع تبیین داشته است عدل عام، عدل خاص، عدل توزیعی، عدل اصلاحی، عدل مطلق، عدل نسبی، عدل طبیعی و عدل قانونی و شهید مطهری توازن و رعایت تناسب میان اجزاء و ابعاد یک مجموعه هدفدار و تساوی و رفع تبعیض و رعایت حقوق و عدم تجاوز به حقوق دیگران و شناخت و رعایت استحقاقها و قراردادن هر کس و چیز در جایی حقیقی‌اش را از شاخص‌های عدالت می‌شناسد. اگر بقاء پایداری حکومت‌ها را به برقراری عدالت و انصاف بدانیم و اگر هدف و مقصد را برقراری عدالت، بشناسیم و چنانچه به دنبال رأی و نظر و رفتار عادلانه باشیم گام اول بازشناسی مفهوم عدالت است.

به‌خصوص تغییرات سریع و غیرقابل اجتناب در حوزه‌های مختلف زندگی، تعاریف و تفاسیری متفاوت از پدیده‌های اجتماعی نیازمند اجماع در تعاریف و حدود و ثغور مفاهیم کلیدی و استقرار نظام و میزان خط‌کش مورد اعتماد در سنجش و داوری است تا تشخیص‌ها، روشن، صحیح و دقیق، شفاف و منطبق بر حقیقت واقعی و مبتنی بر روش و نگرش پیش‌تدبیری و تجربه انطباقی باشد. و این مهم عملی نخواهد شد مگر اندیشمندان رشته‌های مذکور با برگزاری نشست‌های علمی مشترک و بسترسازی مناسب برای تبادل آراء صاحب‌اندیشه و نظر و دانش آموختگان حقوق و فقه برای ترسیم و تدوین نقشه کلان نظام حقوقی و اظهارنظر علمی و پژوهشی لائق مانند نشست‌های علمی نظام‌مهندسی و نظام پزشکی و اهتمام ورزند.

۱- امام علی (ع) «یستدل علی ادبار الدول باریع تفضیع الاصول، تمسک بالفروع، تقدیم الاراذل و تأخیر الافاضل»

تا جایگاه واقعی دانش آموختگان علوم انسانی به‌طور عام و رشته‌های چون فقه و حقوق به اقتصاد، علوم سیاسی و مدیریت به‌طور خاص آن شود که بایسته و شایسته است. و نقص بزرگ برای نظام ما بی‌نظمی در استنباط، و استدراک و استقرار اشخاص در مصادر و سمت‌های غیرمرتبط و بیگانگی دانشگاه با کارگاه و احساس بیگانگی کارگاه با دانشگاه است. تدوین قوانین ترجمه‌ای و نبود استنباط و استدراک مبتنی بر معیار و ملاک و قاعده و خط‌کش و اندازه قابل قبول برای فهم متون قانونی و اختلاف دور از انتظار در تشخیص عموم و اطلاق‌ها، مقید و مطلق‌ها، حصر و تمثیل، صدور و ذیل، ماده و تبصره و مکرر و ... نواقصی است که بدست ما دانش آموختگان حقوق قابل ضابطه‌مندی و ساماندهی است. ما که رسالت تحلیل و تدوین و تشریح نظام حقوقی و تست سلامت آن را بر دوش داریم نقص است اگر متد و روش متقن و منظمی در استنباط و تدوین و تصویب و تفسیر قوانین نداشته باشیم. دست‌یابی به نظام حقوقی عادلانه مستلزم تغییر در نوع نگاه خانواده بزرگ حقوق به خود و جامعه است. برای ارتقاء سطح مدیریت کلان کشوری اعم قانونگذاری و قضایی و اجرایی باید جایگاه واقعی دانش آموختگان فقه و حقوق، اقتصاد و سیاست و ... باز شناسی شود. و نظام حقوقی نیز سامان نمی‌یابد مگر متد و روش صحیح تدوین، تصویب و تفسیر قوانین به دست صاحب‌نظران و دانایان سامان یابد. و این گوهر گم شده تا به خانه ملت راه نیابد امور مملکت استوار نگردد و نظام حقوقی در کشور انتظام نیابد. و حق در محاق خواهد بود چنانکه در دی بوده است.

به هر حال این نوشتار که نتیجه بیش از ۴۵ سال تحصیل و تدریس و ۲۸ سال تجربه قضایی و مدیریتی و نکته و گفته‌گزینی از هزاران رأی وحدت رویه و اجرائی و اندیشه‌های حقوقی و قضایی است را به عنوان گام نخست در راستای نظم حقوقی و استنباط قضایی در تدوین و تصویب و تفسیر قوانین و قراردادها تقدیم بزرگان و صاحب‌نظران اساتید و قضات و وکلا و سایر دانش آموختگان حقوق و رشته دیگر که به نوعی با قانون و قرارداد سر و کار دارند می‌نماید، باشد تا قبول واقع و در نظر آید. بسیار خرسند خواهد بود از نقطه‌نظرات اصلاحی به تکمیلی، توضیحی، تنقیدی سروران گرامی از طریق فاکس و ایمیل و آدرس مؤسسه بهره‌مند گردم.

و ماتوفیقی الابالله بهار ۱۳۸۸

دکتر بهرام بهرامی

دیباچه دوم

کاش می‌شد، عشق را تفسیر کرد
کاش می‌شد عمر را تکثیر کرد
روی این گردونه نامهربان
گرمی مهر تو را تصویر کرد
کاش می‌شد تا خدا پرواز کرد
سفره دل را همانجا باز کرد
کاش می‌شد اشک‌ها را پاک کرد
کاش می‌شد، گونه‌ها را با نم باران
کمی نمناک کرد، کاش می‌شد راه سخت عشق را
بی‌خطر پیمود و قربانی نداشت
کاش می‌شد...

رشد و ارتقاء و تحول در هر یک از علوم مرهون دانش آموختگان آن علم در قلمرو درونی و بیرونی است. در قلمرو درونی، رشد و توسعه هر یک از علوم فاقد عمق و محتوی و نوآوری لازم می‌باشد. در صورت فراگیری، دانشمندان رشته به نوعی تبیین کننده سطحی و شکلی و ظاهری و تکرار گفته‌ها و نوشته‌های پیشینیان می‌باشد. و گاه به واسطه عدم استدراک کافی و کامل حتی اندیشه‌ها و نوشته‌های اشخاص بعدی به نسبت گذشتگان ناقص‌تر و نارساتر است. در این قلمرو گرتة برداری، رونویسی، کپی برداری روز به روز فراوان‌تر و تأسف بر داشته‌ها و ارجاع به پیشینیان و گرایش و اعتقاد و توقف بر اندیشه گذشتگان رواج و رونق می‌یابد و مخالفت با آنان گناهی نابخشودنی محسوب می‌گردد.

هر علمی با بهره‌گیری از سایر علوم و پیوند با علوم بین رشته‌ای و با توسعه قلمرو خود می‌تواند باروری و ثمربخشی بیشتری داشته باشد. هر اندازه این پیوند متنوع‌تر بهره‌وری و میوه‌های مفیدتری حاصل خواهد شد. در قلمرو بیرونی است که یک دانش متحول و دگرگون می‌شود و به یک جهش غیرقابل تصور دست می‌یابد. آنگاه دانش‌آموختگان این رشته جایگاه واقعی خود را درمی‌یابند و از وسعت و عمق و محتوی لازم برخوردار می‌گردند. تاریخ علم مرهون دانشمندانی است که به خود جرأت پیوند علمی با علم دیگر را داده‌اند. تولید علم و نوآوری محصول همین جسارتها بوده است.

ابن سینا غزالی، ابوریحان بیرونی، مطهری و ... شاهدان این مدعی می‌باشند. البته گاه موجب استنتاج‌های غیرمرتبط و برداشت‌های ناصواب و منشاء انحرافات نیز بوده‌اند. لیکن نقش و تأثیر ایشان در تولید علم و نوآوری و تغییر و تحول را نمی‌توان نادیده گرفت. بستر لازم جهت جنبش نرم‌افزاری و تولید علم مستلزم ارتباط اندیشمندان علوم مختلف و کمک و مساعدت آنان به یکدیگر است. این مساعدت در علوم تجربی علی‌رغم نگاه افراطی به تخصص به فراوانی وجود دارد. حال آنکه در علوم انسانی بسیار مغفول واقع شده است. تعاون و مساعدت علوم با یکدیگر و علوم تجربی با علوم انسانی می‌تواند باعث انفجار دانش و طوفان اطلاعات در هر دو محیط گردد. نظام حقوقی ما مقصدش عدالت گستری است. لیکن منظور و مراد از آن به روشنی تعریف و تبیین نشده است. ابزار و لوازم سیر و سفر مناسب با این هدف فراهم نگردیده است راههای وصول به این مقصد و نقشه راه و چگونگی رهروی تعیین و ترسیم نشده است. اصول و فروع بازشناسی نگردیده عبار و وسیله سنجش و نوع نگاه و استندارک ترسیم نگشته، اختلاف در نگاه و عمل و فهم باعث تشتت آراء و نتیجتاً هدر رفتن انرژی و توان و اصطحکاک‌های غیرضرور شده است. راه چاره کشف مسائل و بهره‌گیری از استراتژی حل آنهاست بحش وسیعی از مسائل و بعضاً مشکلات خانواده بزرگ حقوقی که در تقلیل جایگاه واقعی آن در جامعه نیز مؤثر بوده شاید با شناخت بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادهای بازسازی شود آنچه در این مجموعه آمده است.

البته حاصل گرد کردن و بنگاشتن آموخته‌ها از اساتید گرامی و همچنین سالها تجربه قضایی و تدریس و تحقیق و حضوری مستمر در جلسات کارشناسی راجع به تدریس و تصویب قوانین متعدد در قوه قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بازرگانی، دیوان عالی کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و غیره بوده است. این مختصر، گام اول در این راه پرفراز و نشیب و دریای عظیم است. همراهی، راهنمایی، نقد شفاف، رد یا قبول

منصفانه همه بزرگان خانواده حقوقی اعم از اساتید، قضات، وکلا و سردفتران و دانشجو آموختگان دیگر رشته‌های مرتبط را صادقانه طلب می‌کنم.

امید که مردمان پُخرَد این راه را هموارتر و استانداردتر و نهایتاً با چراغ دانش راه را بهتر بشناسیم و آسوده‌تر بیمائیم. قطعاً دانش اندر دل چراغ روشن وز همه بد، بر تن و جان آدمیان جوشن خواهد بود. آنچه انسان را بر موجودات دیگر برتری و رجحان می‌بخشد، بستگی به سهم و بهره او از دانش، فهم، ارتقاء و تولید آن است در این راه هر چه باز ایستیم مانده‌ایم و هر چه گام فرا پیش نهیم رستگارتریم.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از همه دوستان و همراهان و همگان با امید به فردایی بهتر با دوستی و محبت مهربانی بیشتر این نوشته نیز تقدیم فردا می‌گردد چه فردا بازار مینو دهند، منازل به اعمال نیکو دهند.

تابستان ۱۳۸۸

دکتر بهرام بهرامی

پیشگفتار

از ویژگی‌های انکارناپذیر زبان سیال‌پذیری و انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری آن است. و البته اجمال و ابهام و تعارض در عبارات قانونی هم از نواقص قانونگذاری می‌باشد. به همین جهت از دیرباز ضرورت تفسیر قوانین و شناخت نقش و جایگاه آن امری مهم بوده است. تفسیر (Interpretation) را می‌توان به نوعی معادل تبیین (Explanation) دانست. تفسیر یک متن قانونی در واقع فهمیدن و فهماندن و تبیین آن است. عمل تفسیر مستلزم یک شیء یا اصل است در تفسیر همواره باید یک متن یا عبارت و حتی گاه یک فعل یا عمل حقوقی وجود داشته باشد تا موضوع تفسیر واقع شود. ملاک در ارزیابی یک تفسیر، میزان موفقیت آن در بیان مفهوم حقیقی آن است. لذا تفسیر و تحلیل و تبیین همیشه ممکن است منطبق با واقع نباشد. اگر کارکرد تفسیر را آشکار کردن و زدودن غبار و پرده‌برداری و روشن نمودن بدانیم پس علت تفسیر نادرست و غیر منطبق بر واقع چیست؟ همچنین علت وجود تفاسیر متفاوت و متعدد و متعارض چیست؟ معیار و ملاک سنجش سره از ناسره تفسیر درست از نادرست کدام است؟ چگونه می‌توان ادعا کرد که آنچه را دیده‌ایم و تبیین می‌کنیم همان اراده قانونگذار است؟ آیا هدف از تفسیر کشف اراده قانونگذار است و آیا امکان چنین کشفی فراهم است و اصولاً اراده قانونگذار چه مقدار می‌تواند در تفسیر قانون مؤثر باشد؟ آیا اصولاً قانون ساخته اراده قانونگذار است یا محصول عوامل پیدا و پنهان خارج از قوه قانونگذاری است؟

تردیدی نیست که قانون محصول اراده جمعی قانونگذار است. لیکن کشف اراده قانونگذار همیشه به سادگی ممکن نیست، بخصوص تغییرات و دگرگونی‌ها و عدم وجود شاخص و معیار واحد، گاه این شناخت را پیچیده می‌کند. اراده قانونگذار را باید در مجموعه‌ای از الفاظ، عبارات،

رجوع به مذاکرات و مواد قانونی و اصول و قواعد حقوقی و نهایتاً آن را در مجموعه‌ای از احکام و مقررات مرتبط و به صورت یک کل واحد و به عنوان قاعده زرین جستجو کرد. اینکه به صرف تمسک به تفسیر تاریخی و یا مذاکرات مقدماتی نمایندگان و با زیر ذره‌بین بردن تک تک الفاظ به اموری دست یافت و آن را به عنوان مراد و اراده قانونگذار قلمداد کرد. در تفسیر قانون باید معنای ادبی واژه‌ها را با توجه به زمینه یا موضوع قانون مورد توجه قرار داد نه اینکه الفاظ را از متن جدا کرده و بررسی و ارزیابی آن پرداخت. بلکه باید اراده قانونگذار را از مفاد قانون جستجو کرد.

در هر حال اختلاف در استنباط نسبت به مواد قانونی و وجود تشتت آراء و باز خورد آن در جامعه امری است که می‌توان آن را به عنوان یک مسئله بزرگ در برابر خانواده حقوقدانان و نظام حقوقی کشور دانست. وجود آراء اصراری و وحدت رویه قضایی فراوان و اختلاف در اندیشه‌های قضایی، گویای این مسئله است. کشف مسئله و جستجوی استراتژی حل آن قدم اول در این راه است. زیرا چنانچه در کشف و حل آن به موقع اهتمام به عمل نیاید در آینده باید منتظر مشکل و معضل ناشی از این غفلت بود. اجماع بر ضوابط و معیارها پذیرفته شده و دستیابی به قواعد و میزان یکسان برای تدوین و تصویب و تفسیر قوانین و قراردادهای از وظایف اولیه خانواده حقوق است. وظیفه تست سلامت جامعه و نظارت بر انتظام امور و تبیین مفاهیم کلیدی چون عدالت، آزادی، حق، تکلیف و هزاران واژه دیگر به عمده ماست. حال اگر ما در مفاهیم اولیه استنباط و تفسیر و استدراک یا یکدیگر مشکل داشته باشیم چه وقت می‌توانیم جایگاه و نقش و تأثیر خود در اجتماع را دریابیم. اگر فهم یکسان و خط‌کش واحدی نداشته باشیم علی‌رغم اینکه همه خود را وفادار به قانون و قانونمندی بخوانیم در عمل فرسنگها از هم دور خواهیم بود. و قانونی که باید فصل‌الخطاب باشد، خود منشاء اختلاف می‌گردد.

امروز استاندارد سازی در تدوین و تصویب و تفسیر قانون و قراردادهای ضرورتی اجتناب ناپذیر است. تفسیر قوانین و قراردادهای مستلزم نگاه عمیق‌تر و حتی نیازمند واحد درسی مستقل و الگوسازی و نگرش علم مستقل با تعریف و ارکان و موضوع و مسائل خاصی است. در نظام‌های حقوقی سستی نه تنها ضرورت تفسیر قانون را منکر بودند بلکه افرادی چون ژوستینیان (Justinien) امتیاز تفسیر را منحصرأ در اختیار امپراطور نهاده و به‌طور ضمنی امکان هرگونه تفسیر قضایی و علمی را ممنوع می‌دانست.

در نظام حقوقی روم نیز شرح و تفسیر در تغییر قواعد حقوقی نقش چندانی نداشت. در حقوق مدرن تغییر در قوانین به دو شکل محقق می‌شود. تغییرات جزئی که از طریق تفسیر و استدلال‌های

قضایی صورت می‌پذیرد و تغییرات کلی و تحولات حقوقی بسیار کم‌رنگ و در هاله‌ای از ابهام می‌باشد. به نظر می‌رسد تفسیر را بتوان به عنوان علم بین رشته‌ای تبیین و جایگاه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفت. به ناچار باید مطلب را در بدو امر برای آن تبیین و تشریح کرد. ۱. منظور از علم تفسیر قانون و قراردادها چیست؟ ۲. موضوع تفسیر قانون و قرارداد چیست؟ ۳. فایده علم تفسیر چیست؟ ۴. مسائل علم تفسیر چیست؟

تعریف هر علمی عبارت از ذکر جنس و فصل و ممیزات و خصوصیات آن علم است به‌طوری که آن را از سایر علوم متمایز گردانند. و موضوع هر علمی چیزی است که از عوارض ذاتی آن علم بحث می‌نماید. مانند فیزیک که از حالات مفردة اشیاء و شیمی که از حالت ترکیبی اشیاء و حساب که از حالات مختلفه اعداد بحث می‌کند.

فائده هر علم نیز از علت غائی و فائده نهایی و هدف اکتسابی آن علم بحث می‌نماید. منظور از مسائل هر علم نیز عبارت است از قضایا مطلوبه و محمولات مثبته آن علم است. مثلاً موضوع علم حساب عدد است و مسائل مربوط به آن جمع و تفریق و ضرب و تقسیم و جزر، رادیکال و غیره می‌باشد.

بنابراین تفسیر علمی است که در آن از اصول و قواعد و ضوابط و معیارهای استنباط و فهم درست قانون و قرارداد از طریق دستیابی به اراده واقعی قانونگذار و یا اراده مشترک بین متعاملین حاصل می‌شود. منظور از اصول در اینجا اصول حقوقی است که در برگرفته اصول فقه، اصول عملیه و اصول لفظی و حتی اصول اساسی است. و مقصود از قواعد شامل انواع قواعد دستورزبان (صرف و نحو) و قواعد منطقی و قواعد حقوقی حاصل از ظن و غلبه است و مراد از ضوابط و معیارهای راهکار و شیوه استنباط در بیان قانونگذاری و حاصل از آراء وحدت رویه و آراء اصراری است که می‌توان به عنوان ملاک استنباط و یا خط‌کش و میزان برای درستی و نادرستی و انطباق و عدم انطباق برداشت با قصد مشترک و یا اراده واقعی و یا حقیقت الحقیقه دارد را به مفسر و استفاده کنندگان از قانون و دادرسان ارائه می‌دهد.

موضوع علم تفسیر عبارت است از: الف) لفظ ب) ساختار عبارات و مواد قانونی یا قرارداد ج) ارتباط منطقی و کلیت مواد با یکدیگر و سایر قوانین د) بهره‌گیری از قواعد زرین (golden) در دریافت متن زمینه‌های قانون و قرارداد (Text and context) ه) مبانی و سابقه و جستجو در منشاء قانون و) کشف ارتباط ادله فقهی و حقوقی و اثباتی ز) دریافت تغییرات اراده قانونگذاری و بازتاب آن و امور مرتبط دیگر.

مسائل تفسیر نیز عبارت کلیه امور حاصل از قرائت و برداشت از مواد قانونی با قرارداد استدارک و استنباط می‌گردد و مورد عمل واقع می‌شود و نهایتاً بین عمل و مواد توسط دادرسان انطباق و مبادرت به صدور رأی و در نتیجه و آثار مترتب بر آن می‌تواند مجموعه‌ای از مسائل علم تفسیر باشد.

و فائده تفسیر قوانین و قراردادهای عبارت است از الف) تدوین درست و مطابق با استاندارد در تدوین قوانین و یا تنظیم قراردادها ب) تصویب قانون براساس معیار و ضابطه مشخص و معین ج) برداشت و استنباط و تفسیر منطقی و منطبق بر واقع و حقیقت واقعی و استانداردسازی آراء و جلوگیری از تشتت آراء و اندیشه‌های قضایی و نهایتاً ایجاد نظم حقوقی مبنی بر عدالت و انصاف و بستری سازی برای رشد و شکوفایی احقاق حق سریع و اطمینان‌آور و هزاران فائده دیگر. امید که این مختصر گامی مستحکم و استوار در راه طولانی متدولوزی تدوین و تصویب و تفسیر قوانین و قراردادهای بایسته‌ای شایسته و مقبول در منظر بزرگان و دانش آموختگان فرهیخته علم حقوق باشد.